

نقش مردم سیستان در حمایت از ولایت در قرن اول اسلام

۱- طایفه بزی^۱

چکیده

سیستان و مردم غیور آن در طول تاریخ اسلام نقش پررنگی داشته و حماسه‌های زیادی از خود به جای گذاشته‌اند، پس از ورود اسلام به ایران و استقبال سیستانی‌ان در پذیرش این آیین مقدس، بزرگترین و مهمترین افتخار آنها دفاع از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) است. مردم ولایتمدار این خطه در مقابل عمل شنیع و نفرت انگیز سب و لعن امیرمؤمنان (علیه‌السلام) که معاویه ابن ابی سفیان باب کرده بود شجاعانه ایستادند آنها در موقعیتی که دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) به نوعی رفتار کرده بودند که مردم بلاد مسلمان به ساحت قدسی خاندان پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اهانت‌ها و جنایت‌ها روا دارند و در زمانی که در تمام عالم اسلام بخشنامه شده بود که بر منابر پس از حمد و ثنای الهی و درود و صلوات به ساحت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دعای بقای خلیفه به مقام والای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دشنام گویند و این امکان ندارد مردم سیستان حاضر به انجام چنین عمل ننگینی شوند. او در این راه هزینه‌های سنگینی را پرداخت کرده‌اند. افتخار مردم سیستان به این مسئله ختم نمی‌شود بلکه زمانی که واقعه کربلا رخ داد مردم سیستان به محض شنیدن خبر جانگداز شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یارانشان دست به قیام زدند و خونخواهی فرزند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را ندا دادند و این قیام در موقعیتی بود که یزید در اوج قدرت بود. این امر نتیجه اردات ویژه ای است که اهل سرزمین سیستان به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) داشته‌اند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی نگاشته شده، تا نقش مردم سیستان در حمایت از ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در قرن ابتدایی ورود اسلام به این منطقه را بیان کند و همت و علاقه مردم سیستان در دفاع از اسلام و ولایت بر حق ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را نشان دهد.

واژگان کلیدی

سیستان، سجستان، دارالولایه، حمایت، ولایت، قرن اول اسلام

۱ - طلبه سطح ۳، گرایش: تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (س) زاهدان

amiramiri.9860@gmail.com

مقدمه

«فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، (روم-۹)

سیستانی‌ان بر امتداد زمان چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی دلاورانه زندگی کردند و زیر بار زور نرفته‌اند. دوره تاریخی صدر اسلام در سیستان یکی از عبرت‌آموزترین مقاطع تاریخ است. پس از ورود اسلام به ایران مردم این خطه دین مبین اسلام را از صمیم قلب پذیرا شدند و حساب این آیین پاک را از جباران سفاک و خون‌ریز اموی و عباسی جدا دانستند. پژوهش حاضر توضیح می‌دهد که سیستانی‌ها دشمن سرسخت مخالفان اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده‌اند و عقبه‌ای چون مقاومت در مقابل سب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و دفاع از خلافت ایشان و قیام برای خونخواهی از امام حسین (علیه‌السلام) و یاران وفادارشان دارند که موجب مباهات است.

با توجه به این مطلب سوال اینجاست که نقش مردم سیستان در حمایت از ولایت در قرن اول ورود اسلام به ایران چه بوده است؟ این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به سوال فوق است و همچنین کیفیت عملکرد مردم سیستان در زمان خلافت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) و قیام آنها بعد از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) تبیین می‌نماید. پرداختن به مسئله ولایتمداری مردم سیستان نشان می‌دهد که سیستانی‌ان به تمام معنا در مقابل ظلم حاکمان ایستادگی کرده و بر ضد خلافت جابرانه و غاصبانه آنها به قیام پرداختند و هرگز به پذیرش ذلت و زور خلفا و متجاوزان تن ندادند.

در این زمینه کتب و مقالات ارزشمندی از جمله: ۱- کتاب افتخارات مردان مرد در دفاع از امیرالمؤمنین اثر مرحوم علی دوانی ۲- اعتراض به فاجعه کربلا اثر مرحوم علی دوانی مورخ تاریخ اسلام ۳- مقاله تشیع در سیستان اثر استاد محمد باقر حیدری نسب نگاشته شده است، که به طور گسترده مسئله را مورد واکاوی قرار داده‌اند اما نوشته پیش رو به گونه‌ای محدود نقش مردم سیستان در حمایت از ولایت در قرن ابتدایی ورود اسلام را بررسی می‌کند تا هر خواننده جویای فهم را به راحتی و آسانی به مقصود برساند.

الف) مفهوم شناسی

در ابتدا به بررسی مفاهیم اصلی و پرکاربرد در این نوشته پرداخته می‌شود تا در فهم بهتر پژوهش به مخاطب کمک کند.

نقش در لغت به معنای «صورت شخص یا چیزی را کشیدن، تصویر، نگارگری» است. همچنین «نقش که معادل آن نخش است به معنای نگار کردن» است، (معین، ۱۳۸۰ش). واژه نقش در اصطلاح یعنی «دست اندرکار بودن برای انجام امور مهم و دست داشتن در کاری را گویند». در اثری دیگر واژه نقش را اینگونه تعریف کرده‌اند: «اثر و نشانی که از کسی یا چیزی باقی بماند»، (فلاح، ۱۳۹۵ش). در این پژوهش معنای اصطلاحی اول در تعریف واژه نقش مورد نظر است.

مردم در لغت به معنای «جمع انسان، بشر، آدمی» است و در جایی دیگر به معنای «آدمیزاد و شخص» آمده است، (معین، ۱۳۸۰ ش). واژه مردم در اصطلاح به معنای «اهالی شهرها و آبادی‌ها را گویند و به عموم انسان‌ها نیز مردم گفته می‌شود که نسلشان ادامه یابد و قطع نشود». مراد از مردم در این نوشته معنای اصطلاحی آن است.

سیستان در لغت به معنای «سرزمین سکاها و مترادف آن سکستان و سجستان» است. واژه سیستان در اصطلاح «بخشی از محدوده جغرافیایی سیاسی ایران است که از واژه ی فارسی سکستان گرفته شده و معرب آن سجستان است» برخی نیز گفته‌اند سیستان از «واژه سیوستان به معنای سیو مرد» گرفته شده است. در منابع برای واژه سیستان مترادف‌های نیمروز، زابلستان، زاولستان، درنگیان و سگستان ذکر شده است، (ابراهیمی، ۱۳۸۸ ش).

و همچنین در تعریف سیستان گفته‌اند:

«سرزمینی است که در دنباله ی کوه‌های افغانستان قرار گرفته و قلمرو آن را از اراضی شن‌زاری است که سیلاب‌های نواحی مجاور در گودال‌های شان جمع شده و دریاچه‌ها و باتلاق‌های هامون و گودرزه را تشکیل داده است»، (دهخدا، ۱۳۷۷ ش).

منظور از سیستان در این نوشته معنای لغوی با محدوده جغرافیایی ذکر شده برای این منطقه است. حمایت در لغت یعنی «نگاهبانی کردن، دفاع کردن از کسی، حفاظت و پشتیبانی» است و همچنین به معنای «حمایت پستی کردن و دستگیری» نیز آمده است، (معین، ۱۳۸۰ ش). متضاد این کلمه یاری نکردن، پشتیبانی نکردن و تایید نکردن است. برای واژه حمایت در اصطلاح تعریفی ذکر نشده است و همان معنای لغوی آن استعمال شده است که «نگهبانی، پناه یاری، نصرت، اعانت» است. «تو داوری و ما همه مظلوم روزگار مظلوم در حمایت داور نکوتر است»، (دهخدا، ۱۳۷۷ ش).

ولایت در لغت در سه معنا استعمال شده است، یکی به معنای «استان و شهرستان دوم به معنای سرپرستی و سوم به معنای دوستی» و در اثری دیگر به معنای «حکومت کردن، تسلط داشتن، شهر، بلده و سرزمین» هم آمده است. مقصود از ولایت در این نوشته به معنای سرپرستی است. واژه ولایت در اصطلاح، «مجموعه شهرهایی است که تحت نظر والی اداره می‌شوند» و دیگر اینکه «آنکه از جانب کسی در کاری تولیت دارد و می‌تواند در امور دیگران تصرف کند»، (فلاحی، ۱۳۹۵ ش).

و همچنین در تعریف ولایت آمده است، «شهرهایی که یک والی بر آنها حکومت دارد. در تقسیمات کشوری دوران اخیر ولایت ناحیه کوچکتر از ایالت و معادل شهرستان در اصطلاح امروزی است. خداوند در عبارت _قالوا بلی_ از مخلوقات خودش بر آنان عهد و پیمان می‌گیرد که کنایه از ایمان است

یعنی ایمانی که ارواح مؤمنان با خدای تعالی بدان میثاق و عهد کردند و پیمان بستند در معنای متکفل کار کسی شدن و دست یافتن بر چیزی و تصرف کردن در آن و مالک امر کسی شدن است». مقصود از ولایت در این نوشته معنای سرپرستی و متکفل کار کسی شدن است، (دهخدا، ۱۳۷۷ش).

دربارهٔ سیستان که امروز بخشی از آن در محدوده جغرافیایی ایران قرار دارد اقوال و روایت‌های متفاوتی ذکر شده است. «کلمه سیستان تعریف فعلی لفظ سگستان است». ملت عرب این کلمه را سجستان می‌نوشتند زیرا در زبان عرب حرف (گ) تبدیل به (ج) شده است، (کرمانی، ۱۳۷۴ش). علاوه بر آنچه در مورد نام سیستان گفته شده دو نام دیگر هستند که ریشه کهن تری دارند؛ یکی «نیمروز» و دیگری «زری» که این اسم قدیمی تر از نیمروز است، (جی پی تیت با کوشش رئیس الذکرین، ۱۳۶۴ش).

به گواه تاریخ، کشور گشایی‌های مسلمانان به کشورهای دیگر از جمله ایران از زمان خلیفه دوم آغاز شد. در مورد ورود اسلام به سیستان چند قول بیان شده است. برخی از مورخان چون طبری فتح سیستان را به دوره خلیفه دوم برمی‌گردانند اما برخی تاریخ نویسان سال ورود اسلام به سیستان را ۳۷ هجری ذکر کرده‌اند. فتح سیستان در سال ۳۰ هجری را احمد بن یحیی بلاذری به نقل از افرادی چون علی بن محمد بن ابی سیف ذکر کرده است که فردی مورد تایید بوده است، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ش).

در جریان حمله اعراب به ایران، استان سیستان در زمان خلیفه دوم به تصرف اعراب در آمد در سال ۳۰ قمری خلیفه سوم فرماندار بصره، ربیع بن حارث را با سپاهی به نزد عبدالله بن عامر فرستاد تا دوباره این استان را فتح کنند و در پی آن سیستان تا زرنج در افغانستان امروزی دوباره فتح شد و رابعه بن زیاد والی سیستان شد. همچنین در زمان خلافت امام علی (علیه السلام) ابتدا عثمان بن حنیف به سیستان فرستاده شد که مردم از وی استقبال کردند و از سوی دیگر معاویه، عبد الرحمن سمره را به ولایت سیستان فرستاد که مردم او را نپذیرفتند. عبد الرحمن پس از نبرد در شهرهایی که علیه او شورش نمودند و پیروزی بر آنها ولایت این منطقه را در دست گرفت که این نبردها بیش از ۶ ماه به طول انجامید.

در میان سال‌های ۳۰ تا ۴۰ هجری ابتدای ورود اسلام به سیستان بود، از آنجا که حاکمان سیستان تابع حکومت عثمانی بصره بودند و بصری‌ها طرفدار عثمان بودند، از این رو تفکر عثمانی در سیستان نفوذ کرد محمد جواد مشکور در معرفی عثمانیه می‌نویسد: قومی بودند که در سجستان عثمان را بر علی (علیه السلام) تفضیل و برتری می‌دادند و آنان از نواصب‌اند.

ب) نقش حاکمان سیستان در برخورد با اهل بیت (علیهم السلام)

پس از فتح سیستان تا تشکیل اولین حکومت مستقل ایرانی یعنی صفاریان حکومت سیستان توسط حاکمان وابسته به خلافت اداره می‌شد. حال باید روشن شود که چه چیزی باعث محبت اهل سیستان به اهل بیت (علیهم‌السلام) شده است و چرا مردم سیستان با وجود تسلط حکومت بصره حتی به بهای تراشیدن موی زنانشان در بازار حاضر به لعن و سب علی (علیه‌السلام) نشدند؟ با وجود جو مسموم حاکم بر بلاد اسلامی چه چیزی باعث شد شیعه در سیستان باقی بماند و رشد کند، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ش).

ابتدا باید گفت برای اینکه یک گرایش حق طلبانه در میان مردمی شکل گیرد دو عامل مهم نیاز است که حقانیت یا عدم سلامت آن گرایش در مردم روشن شود، عامل اول طینت پاک و حق طلبی و عدم دشمنی با حق است و عامل دوم وجود تبلیغات همسو با عامل اول هست که این دو در کنار هم به گزینش حق منجر می‌شود. به شهادت تاریخ مردم سیستان دارای خصایص ویژه‌ای بوده‌اند که در مساله حمایت از اهل بیت (علیه‌السلام) آنها را برجسته می‌کند.

در پذیرش اسلام و در واقعه حمله اعراب به سیستان با آنکه سیستانی‌ان مردان دلاور و جنگجو بودند اما به جنگیدن ادامه ندادند و تدبیر صلح کردند و همه گفتند که درست نباشد که ما با فرستاده رسول خدا حرب کنیم و شما سپاه خدایید و جنگیدن ما با شما صواب نباشد و ایشان مساله دین اسلام را در کتب آسمانی دیده بودند و منتظر آمدنش بودند و تعدادی از بزرگان سیستان اسلام را پذیرفتند. از شواهد معلوم می‌شود که مردم سیستان پیرو دین زرتشت بوده‌اند و شاه سیستان به خاطر پیشگویی‌هایی که درباره پیامبری حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌آله) در کتب دینی آنها آمده بود حاضر به جنگ با مسلمین نمی‌شد، (افشار، ۱۳۶۴ش).

در بیان از اخلاق و صفات نیکوی مردم سیستان و کردار حمیده ایشان باید گفت که ایشان مردمی بودند که نماز بجا آورده و پرستش خدای تعالی می‌کردند و از جرایم زنا و لواط و دزدی و خون ناحق ریختن دوری گزیدند و حیوان را جز با نام خدا ذبح نمی‌کردند افرادی بودند که صدقه بسیار می‌دادند و حرام‌ها را ترک می‌کردند و به حلال‌ها رغبت می‌کردند و همیشه میزبان بودند و مهمان‌نواز بودند.

فتوت و جوانمردی سیستانی‌ها از خصوصیات بارز مردم این منطقه است. از جمله مقاطع تاریخی که شاهد جوانمردی سیستانی‌ان است جوانمردی یعقوب لیث صفاری است که مردی شجاع و دلیر بود و در برابر مشکلات و سختی‌ها مقاومت بسیار ابراز می‌داشت او به تمام معنی یک سرباز بود سربازی سخت کوش، وقت شناس و خشن و نافذ، یعقوب بر اثر زیرکی و حسن تدبیری که داشت در جنگ‌ها با عده کم سر جمعیت زیاد خصم پیروز می‌شد. یعقوب به خداوند متعال توکل داشت و هرگز از عبادت خدا غافل نبود، (افشار، ۱۳۶۴ش). یعقوب که از عیاران منطقه سیستان و پاسدار مذهب و سنت و حامی ولایت بود، (انوشه، ۱۳۷۰ش).

مورد دیگری که از رفتار مردم سیستان برداشت شده است و از صفای باطنی مردم سیستان حکایت می‌کند عبارت است از اینکه مردم سیستان در حمیت و غیرت مشهور و معروف‌اند به خصوص نسبت به ناموشان غیرت ویژه‌ای داشته‌اند.

در سیستان زنان از گذشته‌های دور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و برای چادر زنان قداست خاصی قائل بوده‌اند تا جایی که بین دو نفر یا دو قبیله و فامیل درگیری ایجاد می‌شد و قابل حل شدن بود برای جلوگیری از ادامه نزاع و پایان دادن به درگیری فامیلی یکی از زنان چادر خود را در میان دو قوم می‌انداخت و آنها به خاطر حرمت و تقدسی که چادر زنان داشت از دعوی خودشان صرف نظر می‌کردند. عامل دیگری که در گرایش مردم سیستان به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) نقش دارد حضور حاکمان شیعه و محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) در سیستان بوده است. حاکمان در شکل دهی افکار و گرایش افراد یک منطقه بسیار تاثیر گذارند. همانطور که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «الناس به امرائهم اشیبه منهم به ابائهم» مردم به امیران خود بیشتر شباهت دارند تا به پدرانشان، (ابن شعبه حرانی، قرن ۴۰۰ ق).

گرچه در ابتدای ورود اسلام به سیستان، حاکمان دارای گرایش علوی نبوده‌اند و تفکر عثمانی داشته‌اند اما بنا بر شواهد ربیع ابن زیاد حارثی که از جمله حاکمان سیستان و از صحابه پیامبر و فردی متواضع و شجاع بود دودوره حاکم سیستان بود دوره اول در سال ۳۰ هجری و دوره دوم در سال ۴۶ در زمان حاکمیت بنی امیه است بعد از جنگ جمل متحول می‌شود و از شیعیان و محبان امام علی (علیه‌السلام) می‌شود. به گونه ای که در یکی از نبردها که تیری به ربیع اصابت کرد و او را درد مند ساخته بود امام علی (علیه‌السلام) به عیادتش می‌رود. از منابع بر می‌آید که ربیع موقع حضور در سیستان، رسم و آداب نیکویی را برجا نهاد و بسیاری از کافران مسلمان شدند.

یکی دیگر از حاکمان سیستان عبدالرحمن سمره بن حبیب از اصحاب پیامبر بود که در فتح مکه اسلام آورد و دو دوره حاکم سیستان بود و در سخنان خود احادیثی بیان می‌کرد که نشان از دوستی و محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) داشت. وی دوحديث بارز که یکی به دستور پیامبر به اطاعت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود و دیگری در مورد جایگاه ائمه اطهار و جایگاه شیعه در عرش الهی بود را در منابر ذکر می‌کرد. اما عبدالرحمن به دلیل انحراف فکری که بر او عارض شد گرچه در جنگ مستقیم با امام علی (علیه‌السلام) حضور نداشت اما از اموال سیستانیان در یاری کردن معاویه استفاده کرد این امر برای مردم سیستان سخت آمد و وی را از منطقه اخراج کردند و به بصره رفت.

عبدالرحمن بن حروطائی: وی اولین حاکم شیعه است که امام علی (علیه‌السلام) به سیستان فرستاد او برای مقابله با گروهی از راهزنان عرب که به سیستان حمله کرده بودند به سیستان آمد و در این جنگ به شهادت رسید و بنابر نقلی ضعیف وی مدتی در سیستان حکومت می‌کند پس از وی ربیع بن کاوس عنبری بر

سیستان حکومت کرد. دهقان سیستانی فرد دیگری از بزرگان سیستان بوده است که با سفارش عبدالله بن جعفر (علیه السلام) به حکومت سیستان منصوب می‌شود وی یکی از دوستان اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

داستان حاکم شدنش به این ترتیب بوده است که دهقان سیستانی به خدمت عبدالله بن جعفر می‌رسد و از او می‌خواهد که وی را به حاکمیت منطقه سیستان منصوب کند و عبدالله با اجازه گرفتن از معاویه با درخواست دهقان موافقت می‌کند و دهقان به پاس این بزرگواری که عبدالله در حق او داشته هدیه‌ی یک میلیون درهمی به عبدالله بن جعفر تقدیم میکند و او از پذیرفتن ابا می‌ورزد و می‌گوید: «ما اهل بیت (علیهم السلام) خوبی را به پول نمی‌فروشیم» که این عملکرد عبدالله در کمک به دهقان سیستانی و عدم قبول یک میلیون درهمی که با میل حاضر بود پرداخت کند و معرفی اهل بیت (علیهم السلام) به خصلت کرم و بزرگواری در ترسیم چهره‌ی اسلام اهل‌بیتی در ذهن مردم سیستان تاثیر داشته است.

و در عصری که ایرانی‌ها را به عنوان شهروند درجه دو حساب می‌کردند حاکم شدن یک سیستانی به کمک و واسطه گری یکی از اهل بیت (علیهم السلام) در شکل دهی افکار مردم سیستان مهم ارزیابی می‌شود، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ ش).

به نظر می‌رسد این عنایت عبدالله در واقعه خود داری و مخالفت مردم سیستان با سب و لعن امام علی (علیهم السلام) و قیامشان پس از واقعه عاشورا بی تاثیر نبوده است زیرا حضرت علی (علیه السلام) عموی عبدالله، امام حسین (علیه السلام) پسر عمویش و حضرت زینب اسیر کربلا همسر عبدالله بوده است.

ملک شاه حسین اولین مبلغ اهل بیت (علیهم السلام) در سیستان را امام حسن (علیه السلام) شمرده‌اند وی در کتاب احیاء الملوک می‌نویسد: «چون در زمانی که امام حسن به اشاره‌ی امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) لشکر اسلام و سعد بن وقاص متوجه بلاد عراق و خراسان شد، مردم سیستان به نامه و پیام امام مفترض الطاعه مسلمان شدند و احکام و مسائل دین و ترتیب طهارت و نماز از منسوبان آن امام عالی مقام فرا گرفتند»، (ملک شاه حسین بن غیاث الدین محمد بن شاه محمود سیستانی، ۱۳۸۳ ش).

اگر چه برخی حاکمان در نشر تشیع موثر بوده‌اند ولی عامل اصلی تعمیق باور شیعی مرهون تلاش دانشمندانی بوده که شیعه یا محب اهل بیت (علیهم السلام) بوده‌اند و در منطقه سیستان به تبلیغ پرداخته‌اند.

بعضی از شیعیان قبل از ورود به سیستان به شهادت رسیدند که از جمله عون بی جعده که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمان خلافت خود بعد از جنگ جمل او را به عنوان حاکم سجستان انتخاب کردند اما وی در بین راه به قتل می‌رسد.

این اعزام حاکی از توجه ویژه امام به این منطقه می‌باشد «بعضی از شیعیان محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) که به سیستان رسیدند به آنها اشاره می‌شود. عثمان بن حنیف از جمله کسانی بود که خلافت ابوبکر را انکار و به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) رجوع کردند. بریده بن حصیب، ابوبرزه اسلمی خزایی، احنف بن قیس التمیمی» که افرادی برجسته در حمایت خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) بودند و در جنگ‌ها یار و یاور امام (علیه‌السلام) بودند. از این جمله می‌باشند، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ ش).

احنف بن قیس اگرچه بعد از شهادت امام علی (علیه‌السلام) در دستگاه بنی امیه کار میکرد اما دست از عقاید خود و محبت حضرت علی (علیه‌السلام) بر نداشت. از جمله در نزد معاویه از حضرت علی (علیه‌السلام) به نیکی یاد میکرد و هرگز علی (علیه‌السلام) را در منبر لعن نکرد و این موجب شد معاویه وی را از دستگاه خود اخراج کند همچنین در انتخاب یزید بر خلافت بعد از معاویه مخالفت میکرد، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ ش).

پ) نقش مردم سیستان در زمان خلافت امام علی (علیه‌السلام) و دفاع از ایشان

اخبار، قرون نخستین یعنی دوره صحابه و تابعین را بهترین و برترین قرون خوانده‌اند، این قرون و ادوار برای اهل بیت و پیروانش از سیاه‌ترین دوره‌ها بوده است اما در این عصر بعضی از مسلمانان به اهل بیت (علیهم‌السلام) ارادت پیدا کردند و در سنگر دفاع از اهل بیت (علیهم‌السلام) خصوصاً حضرت علی (علیه‌السلام) پرداختند یکی از جاهایی که مردمانش محبت و ارادت خود را ظهور و بروز دادند سرزمین سیستان است. مقدسی درباره مردم سیستان می‌نویسد: «مذاهب مردم سیستان مستقیم است جز آنکه خوارج در سجستان و نواحی هرات فراوانند»، (رسول جعفریان، ۱۳۷۵ ش).

«یکی از نمونه‌های تشییع در سیستان در مقابل با تفکر اموی یاری حضرت علی (علیه‌السلام) در جنگ‌ها است اما اینکه چه تعداد از سیستانی‌ها در جنگ‌ها با حضرت علی (علیه‌السلام) همراه بودند اطلاعاتی در دسترس نیست اما بسیاری از علمای اهل سنت به حضور یکی از سیستانی‌ها که از جنگ صفین همراه حضرت علی (علیه‌السلام) بوده اشاره می‌کنند که وی عمران جد ابو داوود سجستانی محدث معروف اهل سنت است»، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ ش).

نمونه‌ای دیگر از علاقه و دوستی سیستانی‌ها با قرآن و عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این است که «اولین تفسیر قرآن با گویش سیستانی به فرمان خلف بن احمد در شهر زرنج انجام گرفت. که این حکایت از معرفت عمیق دینی سیستانی‌ها دارد علاوه بر این روایاتی خبر از حضور عده‌ای از اهالی سیستان جهت سوالات شرعی در نزد اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد، (اویسی، ۱۳۹۵ ش).

یکی از مسائل دردناک تاریخ صدر اسلام مساله سب و لعن حضرت امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) است که توسط معاویه به همه‌ی جهان اسلام ابلاغ شد و بیشتر اماکن مذهبی به این امر شنیع اقدام کردند .

«هنگامی که معاویه برطبق نامه‌ای که به سرزمین‌های اسلامی نگاشت تا امام علی(علیه‌السلام) را لعن کنند و مردم سیستان لعن نکردند و حتی حاضر شدند سالیانه مبالغی طلا به معاویه بدهند ولی سب امام شیعیان را نکنند، اما معاویه به این کار راضی نشد و گفت یا علی را سب کنید یا سرهای زنان خود بتراشد و وسط میدان شهر بیاورید در اینجا بود که مردم سیستان حاضر شدند، سرهای زنان خود را بتراشند ولی سب امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) را نکنند»، (پیری، ۱۴۰۰ش، ص ۱۴).

«و چه شرفی از خودداری ایشان از تن دادن به لعن برادر رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله) برتر است در حالی که آن حضرت بر منابر حرمین در مکه و مدینه مورد لعن بود؟»، (علیرضا حیدری نسب، ۱۳۹۹ش).

از جمله قرائنی که دلالت دارد که مردم سیستان غالبا شیعه شده بودند گفتار نویسنده کتاب احیاءالملوک است وی در جریان وارد شدن عبدالرحمن «تمایند ی معاویه» به سیستان می‌گوید: «بعد از رسول امام به حق باید که مردم به او اقتدا کنند و به امر و نهی او باشند و حال آن که معاویه با امیرالمؤمنین جنگ کرد و بسیاری از مهاجر و انصار کشته شدند و جمعی از اصحاب از جمله «عمار یاسر و اویس قرنی» نیز در آن معرکه شربت شهادت چشیدند این مرد به خلافت لایق نیست و به خلافت او راضی نشویم»، (ملک شاه حسین بن غیاث الدین محمد بن شاه محمود سیستانی، ۱۳۸۳ش).

این از مهمترین افتخارات مردمان سیستان است که لب به لعن و سب حضرت علی(علیه‌السلام) نگشودند و در برابر این عمل شنیع مقاومت کردند و در برهه‌ای از زمان نیز با خوارج به دلیل دشنام به حضرت مبارزه کردند. نکته قابل توجه این است که در سیستان زن از حرمت و قداست بالایی برخوردار بود و گاهی چادر زن از درگیری‌های خونین منطقه‌ای جلوگیری می‌نمود هرکس که زیر چادر زن پناه میگرفت از تعرض مصون می‌ماند.

امویان که از این مهم اطلاع داشتند برای وادار کردن سیستانی‌ها به سب علی(علیه‌السلام) دستور دادند تا سر زنان آنها را در ملاء عام بتراشند با این حال تاریخ گواهی می‌دهد که علارغم همه‌ی قداست‌هایی که زن نزد مردمان سیستان داشت آنان حاضر به تراشیدن سر زنان خود شدند اما به انجام این عمل شنیع سب حضرت علی(علیه‌السلام) تن ندادند.

استاد علی اکبر غفاری در این ارتباط نگاشته است: «چنان که از مطاوی تواریخ و بعضی کتب حدیث استفاده می‌شود بیش از هشتاد سال که بالغ بر هزار ماه می‌شود امیرمؤمنان و مولای متقیان علی(علیه‌السلام) در پس هر نماز و بالای هر منبر لعن می‌شد و مردم آن را اعمال نزدیک کننده به خدا می‌پنداشتند و در

مجلسی از مجالس دینی نبود جز آن که این عمل تکرار می‌شد و تنها سجستانیان را از تمامی ممالک و شهرستان‌های اسلامی از گفتن لعن استثناء کرده‌اند»، (محمد باقر حیدری نسب، ۱۳۹۶ش).

ت) نقش مردم سیستان بعد از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) بر علیه یزید

با مرگ معاویه بن ابوسفیان یزید ابن معاویه حکومت را به دست گرفت او در سال اول حکومتش امام حسین (علیه‌السلام) را به شهادت رساند پس از واقعه کربلا وقتی خبر به مردم سیستان رسید مردم ولایتمدار این سرزمین در برابر ارتکاب این فاجعه توسط یزید و عبیدالله برادر ابن زیاد که همزمان حاکم بصره هم بود سکوت را روا ندانسته و دست به شورش می‌زنند»، (همان، ص ۱۰۰). «از آنجا که عبیدالله ابن زیاد و عباد ابن زیاد نسبت به یکدیگر علاقه ی زیادی داشتند و خود می‌تواند شاهی بر حمایت عباد از عمل شنیع عبیدالله نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) باشد این امر برای مردم سیستان سخت بوده است»، (رسول جعفریان، ۱۳۷۵ش).

«این واقعه اولین قیام ثبت شده بعد از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) است که نمونه ای دیگر از محبت اهالی سیستان به اهل بیت (علیهم‌السلام) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است اگر چه فاصله ای طولانی با مرکز و دارالولایه اسلامی داشتند از دیر باز عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم‌السلام) پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را سر لوحه امور خود قرار داده بودند با این که مدت زیادی از ورود اسلام به سیستان نگذشته بود و فاجعه ی کربلا روی داد. در حالیکه مردم بسیاری از نقاط ایران در آن دوره هنوز به مکتب اسلام نگرویده بودند، هنگامی که خبر شهادت امام حسین و اسارت دختران رسول الله به مردم سیستان رسید مردم ولایتمدار سیستان در برابر آن موضع گرفتند و به خروش آمدند و در برابر دستگاه جبار یزید دست به قیام زدند، این حرکت از این رو مهم است که استبداد و اختناق که یزید در عالم اسلام حاکم کرده بود باعث شد مردم عراق، شام و حجاز به عنوان مناطق اسلامی در برابر حاکم جرات مخالفت نداشته باشند ولی مردم دلاور سیستان فریاد برآوردند و چنان عمل کردند که عباد بن زیاد حاکم بنی امیه در سیستان بیت المال را برداشت و فرار کرد»، (رجبی، دوانی ۱۳۹۲ش).

اما با خبر شورش مردم سیستان از جانب عبیدالله به عباد ابن زیاد می‌رسد یزید که به ظاهر از کشته شدن امام حسین (علیه‌السلام) اظهار پشیمانی کرد و وقوع این فاجعه را تقصیر پسر مرجانه می‌داند و به جای این که لشکری برای دفاع از عباد بفرستد سعی در خاموش کردن مردم می‌گیرد عباد بن زیاد برادر و دوست عبیدالله را از حکومت خلع و به جای آن سلم بن زیاد را که چهره ای مثبت دارد به حکومت سیستان می‌گمارد»، (حیدری نسب، ۱۳۹۶ش).

به هر حال مردم سیستان پیشتازی خروش نسبت به ظلمی که به اهل بیت (علیهم‌السلام) عصمت و طهارت روا شده برای خود رقم زدند درحالی که قیام توابین و قیام مختار علیه بنی امیه و خون خواهی امام

حسین(علیه‌السلام) پس از مرگ یزید در سال ۶۵ هجری صورت گرفت مردم سیستان در همان سال ۶۱ و در فاصله ی کوتاه یعنی زمانی که خبر این فاجعه به آنان رسید علیه حکومت دست به قیام زدند از این رو مردم سیستان فضیلتی دارند که دیگران از آن محروم مانده‌اند.

و در جای دیگر از تاریخ آمده است:

هنوز اسرای کربلا را از کوفه به شام حرکت ندادند که خبر شهادت امام حسین(علیه‌السلام) و شهدای کربلا به سیستان رسید و بزرگان سیستان حارث بن یزید حاکم آن زمان را فرا خواندند و از او خواستند تا سیستان را ترک کند حارث بن یزید حامل نامه ای از سوی مردم سیستان برای ابن زیاد و یزید بود که نوشته بودند: چه بد ذات و بدکرداری که با مهمانان نوه ی رسول خدا و اهل‌بیت(علیهم‌السلام) چنین رفتار زشت را انجام دادی و رسم مهمان کشی آن هم مهمانان عزیز را که محبوب خدا و اولاد رسول الله را بودند باب کردی»، (سایت خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳ش).

نتیجه گیری

سیستان سرزمینی است کهن که ملت عرب آن را سجستان می‌نوشتند و دارای گستره جغرافیایی بزرگتر از خراسان است. تاریخ ورود اسلام در سیستان به زمان خلیفه دوم بر می‌گردد. در واقعه حمله اعراب به سیستان شاه این

سرزمین به خاطر پیشگویی‌هایی که درباره حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در کتب دینی آنها آمده بود حاضر به جنگ با مسلمانان نشدند و محبت اهل‌بیت(علیهم‌السلام) را با صفای باطنیشان پذیرفتند.

بزرگترین نقش مردم سیستان این است زمانی که در سال ۴۱ هجری قمری معاویه همه خطیبان و امامان جمعه را در سراسر دنیای اسلام مکلف کرد که در خطبه‌هایشان امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) را لعن کنند، مردم سیستان زیر بار این ننگ نرفتند و در این راه هزینه‌های زیادی را متحمل شدند .

نمونه ای دیگر از نقش بی‌بدیل سیستانیان این است که پس از واقعه کربلا و شهادت امام حسین(علیه‌السلام) و آغاز اسارت اهل‌بیت(علیهم‌السلام) رسول خدا و امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)، از کوفه به شام و انعکاس آن در سراسر دنیای اسلام مردم سیستان با شنیدن این خبر به خونخواهی اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) بر علیه یزید ابن معاویه و حکمران او در سیستان «عباد ابن زیاد» قیام کردند و او را از سیستان فراری دادند به طوری که سیستان ماه‌ها بدون والی ماند. پس از آن سلم بن زیاد که برادر عبدالله بود اما چهره ای مهربان داشت به حکومت سیستان منصوب شد، به گواهی تاریخ نخستین قیام مردمی بر علیه بنی امیه که کمتر از چند ماه پس از واقعه کربلا رخ داد به دست مردم سیستان برپا شد.

منابع و مآخذ:

*قرآن کریم

منابع فارسی

۱. ابراهیمی، مریم، (۱۳۸۸ش)، تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان، انتشارات بخارا، تهران.
۲. افشار، ایرج، (۱۳۶۶ش)، نگاهی اجمالی به سیستان، نشر هنر، تهران.
۳. انوشه، حسن، (۱۳۷۰ش)، تاریخ سیستان، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۴. اویسی، جواد، (۱۳۹۵ش)، درباره سیستان چه میدانید، تسنیم دانش، مشهد.
۵. پیری، محمدرضا، (۱۴۰۰ش)، مکتب کلامی سیستان، آیات، قم.
۶. حیدری نسب، علی رضا (۱۳۹۹ش)، در آمدی بر حوزه حدیثی سجستان و راویان و محدثان آن، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۷. حیدری نسب، محمد باقر، (۱۳۹۶ش)، تشیع در سیستان از ورود اسلام تا ابتدای غیبت صغری، زیتون سبز، تهران.
۸. جعفریان، رسول، (۱۳۷۵ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم، انصاریان، قم.
۹. جی پی تیت، (۱۳۶۴ش)، سیستان، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، تهران.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغتنامه، جلد ۶، ۹، ۱۵، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. فلاحی، بهنام، (۱۳۹۵ش)، فرهنگ فراگیر وام‌واژگان در زبان پارسی، نشر نهضت، اصفهان.
۱۲. کرمانی، ذوالفقار، (۱۳۷۳ش)، جغرافیای نیمروز، انتشارات عطارد، تهران.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۰ش)، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، تهران.
۱۴. ملک شاه حسین ابن ملک غیاث الدین محمد ابن شاه محمود سیستانی، (۱۳۸۳ش)، احیاءالملوک، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

منابع عربی

۱. حرانی، ابن شعبه، (قرن ۴.ق)، تحف العقول، موسسه فرهنگی دارالحديث، ویرایش سید باقر میر عبداللهی، قم،

منابع دیجیتال

۱. وبلاگ محمد حسین رجبی دوانی-مردم سیستان پیشنازتر از مختار.
۲. خبرگزاری مهر – به مناسبت قیام تاریخی ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۹۳ مردم سیستان – نگاهی به تاریخ قیام‌ها در سیستان.